

اعتبارسنجی و فقه الحدیث آخرین توقیع

محمود کریمیان*

چکیده

در آخرین توقیع منسوب به امام عصر (عج) چنین عبارتی به چشم می‌خورد: «سَيَأْتِي شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ أَلَّا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٍ» (کسانی از شیعیان می‌آیند که ادعای مشاهده کنند، آگاه باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی و ندای آسمانی ادعای مشاهده کند دروغگویی بی‌پرواست). درباره معنای این عبارت احتمال‌هایی مطرح شده است، این نوشتار در پی آن است تا با بررسی احتمالات مطرح شده به نظری جامع دست یابد و احتمال قوی‌تر را تبیین کند.

کلید واژه‌ها: توقیع، آخرین حدیث، فقه الحدیث، مشاهده، ملاقات در غیبت کبرا.

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث قم و مدرس مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم

(karimian.mahmood@yahoo.com).

غیبت نگاری، از سبکهای رایج حدیثی بوده است که از زمان امام رضا علیه السلام آغاز^۱ و تا کنون ادامه یافته است. در قرن چهار و پنج هجری علاوه بر اختصاص یافتن بخشی از کتابهای مهم حدیثی مانند الکافی و الارشاد به موضوع غیبت امام عصر ع برخی کتابها به طور خاص در این زمینه به نگارش درآمد از جمله این کتابها که امروزه در دسترس است می توان به سه کتاب مهم اشاره کرد: کتاب الغیبة از نعمانی، کمال الدین از شیخ صدوق، الغیبة از شیخ طوسی دو کتاب کمال الدین و الغیبة طوسی بخشی را به توقیعات اختصاص داده اند. آخرین توقیع صادر شده از سوی حضرت که شیخ صدوق و شیخ طوسی آن را گزارش کرده اند، نگاشته حضرت به علی بن محمد سمری است که به توقیع مشاهده نامبردار است.^۲ از آنجا که این نامه در واپسین روزهای عمر علی بن محمد سمری یعنی آخرین نایب خاص در دوره غیبت صغرا فرستاده شده می توان آن را به عنوان آخرین حدیث صادر شده از ائمه معصومین علیهم السلام تلقی کرد.^۳

بخشی از این توقیع شریف ظهور ابتدایی در انکار ملاقات با امام عصر (ع) در زمان غیبت کبرا دارد و نیز تکذیب کسی که ادعای ملاقات داشته باشد.

این نوشته در پی اثبات یا رد امکان ملاقات با امام عصر ع در دوران غیبت کبرا نیست که نوشته های به نسبت مفصلی در این زمینه نگاشته شده و به آن پرداخته است و در اینجا در پایان نوشته تنها اشاره ای به آن خواهد شد، بلکه نگارنده این مقاله در پی بررسی صحت و سقم برداشت فوق از این بخش از روایت است و نیز طرح احتمال های دیگری که در معنای آن داده شده است و این که می توان معنای بهتری را از میان احتمال های مطرح شده برای روایت برگزید و آن را تقویت کرد.

توقیع در لغت و اصطلاح:

^۱ ر.ک: «درآمدی بر غیبت نگاری (بررسی کتاب های غیبت تا قرن پنجم هجری)»، مهدی غلامعلی، دو فصلنامه حدیث / اندیشه شماره ۳

^۲ ر.ک: کمال الدین، ص ۵۱۶، ح ۴۴ و الغیبة طوسی، ص ۳۹۵، ح ۳۶۵

^۳ لازم به ذکر است که در کتاب الاحتجاج تالیف احمد بن علی طبرسی از علمای قرن ششم هجری دو توقیع از ناحیه مقدسه خطاب به شیخ مفید گزارش شده است و بحث از اعتماد به صدور این دو توقیع مجال دیگری را می طلبد.

در ابتدا لازم به نظر می‌رسد توضیح مختصری درباره واژه توقیع ارائه شود.

واژه «توقیع»، مصدر باب تفعیل و از ریشه «وقع»، به معنای نهادن نشان یا علامت و یا پاسخی بر یک نوشته است، به شکل امضا کردن باشد، یا رد و تأیید و یا نوشتن پاسخ در میان، کناره و یا پشت آن.^۱ معنای اصطلاحی توقیع نیز همین است و بیشتر در باره پاسخ یک شخص برتر به درخواست‌ها، نامه‌ها به کار می‌رود.^۲

در فرهنگ شیعی، واژه «توقیع» بر مکاتبه‌ها، منشورها و نامه‌های امامان حتی بدون دریافت نامه و درخواست قبلی، اطلاق می‌شود و گاه برخی پیام‌های شفاهی امام عصر را نیز توقیع نامیده‌اند.^۳

متن توقیع و منابع آن

کهن‌ترین منبع از منابع حدیثی در دسترس که توقیع مورد بحث را گزارش کرده است کتاب کمال‌الدین است:

حدیث در این کتاب چنین آمده است:

حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمُكْتَبِيُّ قَالَ: كُنْتُ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ فِي السَّنَةِ الَّتِي تُوفِّيَ فِيهَا الشَّيْخُ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيُّ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ فَحَضَرْتَهُ قَبْلَ وَفَاتِهِ بِأَيَّامٍ فَأَخْرَجَ إِلَيَّ النَّاسَ تَوْقِيعًا نَسَخْتُهُ - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيُّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فَيْكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَ لَا تُوصِلْ إِلَى أَحَدٍ يَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَةُ فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ ذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ امْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا وَ سِيَّاتِي شِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ إِلَّا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٍ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ - قَالَ فَنَسَخْنَا هَذَا التَّوْقِيعَ

۱. ر.ک: لغت‌نامه دهخدا: مدخل «توقیع»، الصحاح، جوهری: ج ۳ ص ۱۳۰۳، معجم مقاییس اللغة: ج ۶ ص ۱۳۳، العین: ج ۲ ص ۱۷۷.

۲. ر.ک: دانش‌نامه جهان اسلام: ج ۸ مدخل «توقیع».

۳. ر.ک: کمال‌الدین: ص ۵۰۳. برگرفته از دانش‌نامه امام مهدی ع بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۴، ص ۱۱۵.

وَ خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِهِ فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمُ السَّادِسُ عُدْنَا إِلَيْهِ وَ هُوَ يَجُودُ بِنَفْسِهِ فَقِيلَ لَهُ مَنْ وَصِيكَ مِنْ بَعْدِكَ فَقَالَ لِلَّهِ أَمْرٌ هُوَ بِالْغُهِ وَ مَضَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَهَذَا آخِرُ كَلَامٍ سَمِعَ مِنْهُ^۱.

دیگر منبع کهن که این توقیع در آن گزارش شده کتاب الغیبه از شیخ طوسی است. از آنجا که متن توقیع در

این کتاب با تفاوتی بسیار اندک همان متن کمال الدین است آوردن سند آن کفایت می‌کند، سند توقیع در این

کتاب چنین است:

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمُكْتَبِ قَالَ كُنْتُ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ فِي السَّنَةِ الَّتِي تُوِّفِي فِيهَا الشَّيْخُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيُّ قُدْسَ سِرِّهِ ...^۲

ارزیابی سند

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود سند شیخ طوسی به شیخ صدوق برمی‌گردد که آن را با لفظ «عن جماعة» نقل کرده است و به دلیل نا معلوم بودن جماعت، روایت اصطلاحاً مرسل نامیده می‌شود. تمامی منابع حدیثی دیگر بعد از شیخ طوسی نیز حدیث را از طریق شیخ صدوق نقل کرده‌اند.^۳ در نتیجه این حدیث در آنچه به دست ما رسیده دارای یک طریق بیش نیست، که همان سند شیخ صدوق در کمال الدین است.

این سند از دیدگاه رجالی فاقد اعتبار است، زیرا راوی اصلی آن «ابو محمد الحسن بن احمد المکتب» که

شیخ صدوق روایت را از طریق وی گزارش کرده در کتب رجالی مورد توثیق قرار نگرفته است و از طریق

توثیقات عام چون قاعده اصحاب اجماع، کثرت روایت، نقل اجلای محدثین از وی و ... نیز نمی‌توان به سند

^۱ کمال الدین و تمام النعمة، ص ۵۱۶: ح ۴۴

^۲ الغیبة (للطوسی) ص ۳۹۵ :

^۳ ر. ک: الثاقب فی المناقب، ص ۶۰۳، ح ۵۵۱، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۶۰، الخرائج و الحرائج، ج ۳، ص ۱۱۲۸، ح ۴۶، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۳۶، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۰، ح ۷.

اعتبار بخشید و آن را از ضعف خارج کرد، چرا که هیچ یک از این امور شامل حال این راوی نمی‌شود، مگر کسی تنها به لحاظ نقل شیخ صدوق از وی او را معتبر دانسته و حدیث وی را بپذیرد و صرف استاد شیخ صدوق بودن را در پذیرش روایت یک راوی کافی بداند بدون آن که حتی شیخ صدوق بر وی ترحم و ترضی کرده باشد هر چند توثیق خاص و یا معیارهای عام را برای پذیرش روایاتش نداشته باشد و بعید است کسی این گونه به یک راوی اعتبار ببخشد هر چند ممکن است با گردآوری قرائن اطمینان‌آور متن حدیث پذیرفته شود.

ممکن است کسی احتمال دهد که این راوی یعنی «الحسن بن احمد بن المکتب» همان «الحسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام المکتب» است که وی نیز از اساتید شیخ صدوق بوده و می‌توان با توجه به کثرت روایات وی (حدود ۱۲۰ روایت) و نیز طلب رحمت الهی برای وی از طرف شیخ صدوق به وی اعتبار بخشید همان گونه که در برنامه نرم‌افزاری درایة النور وی امامی و ثقه علی التحقیق معرفی شده است.

در پاسخ به این احتمال می‌توان گفت هر چند اصل تصحیف نام حسین به حسن بعید نیست همان گونه که گاهی در مورد همین دو راوی مورد بحث رخ داده است^۱ و قرینه دیگری نیز می‌توان به منظور تقویت احتمال تصحیف مذکور اقامه کرد و آن این که «الحسین بن ابراهیم» توقیعات دیگری را نیز از ناحیه مقدسه گزارش کرده است^۲ اما با این حال نمی‌توان چنین احتمالی را در سند حدیث مورد بحث پذیرفت چرا که شیخ صدوق در این سند کنیه راوی را نیز آورده و می‌گوید « حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمُكْتَبِ » چنانچه ملاحظه می‌شود کنیه‌ای که برای وی در کمال‌الدین آمده (ابومحمد) است و این کنیه با اسم «حسن» تناسب دارد نه نام «حسین»

^۱ ر.ک: وسائل الشیعة، ج ۷ ص ۴۵۴، ذیل ح ۹۸۴۴

^۲ ر.ک: کمال‌الدین، ص ۵۲۰، ح ۴۹

علاوه بر این که نام پدر وی احمد است نه پدر بزرگ او و ابراهیم بین حسن و احمد واسطه نیست، بنابراین چنین احتمالی بسیار ضعیف است و ضعف رجالی برای سند روایت مورد بحث باقی است.

میرزای نوری «ره» در کتاب جنة المأوی پس از نقل حکایت‌هایی از ملاقات با امام عصر ع در دوران غیبت کبرا به جمع بین آن حکایت‌ها و توقیع مورد بحث پرداخته و در ابتدا خواسته با تضعیف روایت به لحاظ سندی آن را از توان مقابله با حکایت‌های متعدد و مشهور بیندازد و سپس به توجیهاات معنایی پرداخته است^۱، اما در این نوشته بررسی سند جهت اطلاع از وضعیت اعتبار سند روایت بوده و آنچه مهم و محور این نوشته است فهم متن حدیث است.

احتمال‌های مطرح شده در معنای حدیث :

به نظر می‌رسد آنچه باعث بروز اختلاف در معنای حدیث شده تعبیر «فمن ادعی المشاهدة قبل خروج السفیانی و الصیحة فهو کاذب مفتر» است، بنابراین محور اصلی نوشته تمرکز بر معنای این عبارت است.

در عبارت فوق دو تعبیر آمده است که منشأ اختلاف در فهم معنای مقصود از آن شده است:

أ: تعبیر «فمن ادعی المشاهدة»

در این که مقصود از ادعای مشاهده در توقیع مورد بحث چیست، صرف ادعای ملاقات و دیدار با آن حضرت مقصود است یا ادعای نیابت داشتن از طرف آن حضرت در کنار ادعای دیدار مراد است؟ ادعای علنی مشاهده و همه‌گانی کردن آن مراد است یا چیز دیگر؟

^۱ ر.ک: جنة المأوی، ص و بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۱۸، لازم به ذکر است کتاب جنة المأوی به مناسبت مباحث مهدویت در جلد ۵۳ از بحار الانوار به چاپ رسیده است.

ب: تعبیر «فهو کاذب مفتر»

مقصود از فهو کاذب مفتر این است که شخص مدعی مشاهده واقعا دروغگوست یا وظیفه دیگران تکذیب

اوست ؟

در اینکه دو تعبیر فوق در توفیق مشاهده به چه معناست و جمع‌بندی آن احتمالاتی مطرح شده است در

اینجا ضمن طرح این احتمال‌ها ، احتمال مورد نظر نیز تقویت می‌شود:

۱. مقصود از مشاهده حضرت ادعای نیابت خاص از طرف اوست، نیابتی شبیه آنچه نواب اربعه در دوران

غیبت صغری داشته‌اند، بر اساس این احتمال حضرت ولی عصر(عج) با این توفیق که آخرین توفیق

رسیده از جانب آن حضرت توسط آخرین نایب خاص یعنی علی بن محمد سمیری است می‌خواهد

نیابت خاص را قطع کرده و اعلام نماید چنین نیابتی به آخر رسیده و مدعی آن را دروغگو معرفی کند

و از این طریق، راه باییت را ببندد.

علامه مجلسی^۱ محدث نوری، سید عبدالله شبر^۲ و برخی از معاصرین^۳ این معنا را برای حدیث برگزیده‌اند.

توجه به این نکته که این توفیق برای آخرین نایب و سفیر خاص در دوران غیبت صغری ارسال شده است

می‌تواند این احتمال را تقویت کند و مؤیدی برای این احتمال در معنای حدیث باشد.

^۱ ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱

^۲ ر.ک: دیدار در عصر غیبت، ص ۱۶۲-۱۷۰

^۳ ر.ک: بدایه المعارف الالهیه، ص ۱۴۶-۱۴۷. چاپ جامعه مدرسین، قم، ۱۴۳۴ ق چاپ ۲۳

واضح است قبول این احتمال و تأیید آن به آنچه گفته شد مبنی بر بحث تاریخی نیابت خاص در دوران غیبت صغری و اثبات پایان پذیرفتن آن با به پایان رسیدن عمر چهارمین نایب خاص (علی بن محمد سمری) است که جای این بحث این جا نیست و در جای خود بر اساس متون گزارش شده به اثبات رسیده است.^۱

۲. احتمال دوم در معنای حدیث این است که آنچه در این توقیع مورد انکار واقع شده و مدعی آن دروغ گو معرفی شده است ادعای مشاهده حضرت همراه با شناخت او در دوران غیبت کبراست یعنی اینکه کسی ادعا کند با حضرت ملاقات داشته و به هنگام ملاقات او را می‌شناخته و می‌دانسته که امام است. اما اگر کسی ادعای دیدار با فردی را داشت و با ضمیمه کردن قرائن و شواهد خود وی و دیگران متوجه شدند که آن شخص امام عصر (عج) بوده است چنین ادعایی را توقیع رد نمی‌کند و مدعی آن را دروغ گو نمی‌شمارد.

علامه بحر العلوم در کتاب «الفوائد الرجالیة» در ترجمه شیخ مفید و در بیانی پیرامون توقیعاتی که گفته شده از طرف امام عصر (عج) برای شیخ مفید (ره) آمده است^۲ این احتمال را مطرح نموده و می‌گوید آنجا که مشاهده حضرت (ع) در دوران غیبت کبری نفی شده و مورد انکار قرار گرفته است پذیرش این توقیع با مشکل مواجه می‌شود اما می‌توان گفت آنچه نفی شده ادعای مشاهده‌ای است که همراه با شناخت حضرت حجت (ع) در هنگام مشاهده باشد و چنین ادعایی از طرف رساننده این توقیع صورت نگرفته است.^۳

۳. مضمون توقیع رد و انکاری است بر ادعای کسی که به صورت علنی اعلام کند با امام عصر (عج) ملاقات داشته است، و به طور معمول کسانی این گونه ادعا دارند که در پی جایگاهی اجتماعی برای

^۱ ر.ک: رازداران حریم اهل بیت ع، ص و نیز صادر اصلی توقیع مورد بحث

^۲ ر.ک: الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۸ - ۳۲۴

^۳ ر.ک: الفوائد الرجالیة، ج ۳، ص ۳۲۰

خود هستند و عده‌ای افراد ساده را فریب داده و به دنبال خود می‌کشند، توقیع مورد بحث چنین افرادی را دروغ‌گو معرفی کرده است و شامل افراد پرهیزگاری نمی‌شود که هیچ‌گاه به دنبال اسم و رسم نیستند و اگر ملاقاتی با امام عصر (عج) هم داشته‌اند کتمان می‌کنند و گاهی به لحاظ شرایط صلاح می‌دانند برای برخی افراد خاص بازگو نمایند.

مرحوم محقق نراقی ذیل بحث از احتمال‌های مختلف در معنای اجماع در احتمال هفدهم این را مطرح نموده که گاه کسی به صورت مشافهه از امام عصر ع مطلبی را دریافت کرده اما مأمور است آن را به گونه‌ای مطرح کند که قضیه کشف نشود لذا آن را در قالب اجماع مطرح می‌کند، تا هم امر به اظهار حق را در حد امکان اطاعت کرده باشد و هم نهی از شایع ساختن چنین قضایایی را.^۱

۴. احتمال چهارمی که در توقیع مذکور رفته این است که اگر کسی در دوران غیبت کبرا ادعای مشاهده حضرت و ملاقات با وی را داشت وظیفه دیگران است وی را تکذیب کنند اما این که مدعی در واقع ملاقات داشته یا در این زمینه دروغ می‌گوید بحث دیگری است و توقیع در بی آن نیست.

در نقد احتمال فوق می‌توان گفت چنین احتمالی با ظهور توقیع سازگار نیست. توقیع مورد بحث ظهور بسیار قوی و مشخص در دروغگو بودن مدعی ملاقات دارد.

۵. احتمال دیگری که در معنای این بخش از توقیع داده شده این که مقصود از مشاهده دیدار با حضرت در محل زندگی وی و مکان استقرار ایشان در دوران غیبت کبراست که کسی به آن دسترسی ندارد و از عموم پنهان است.

^۱ ر.ک: عوائد الایام، ص ۷۰۰

مرحوم محدث نوری پس از طرح این احتمال سه روایت که در آنها تعبیر «لا یطلع علی موضعه» و «لا یعلم بمكانه» آمده است را در تأیید این احتمال آورده است.^۱

۶. احتمال ششم در معنای توقیع آن است که مقصود از مشاهده در آن مشاهده‌ای علنی باشد که تنها پس از ظهور می‌تواند تحقق یابد، در واقع توقیع مورد بحث در پی رد کسی است که قبل از وقوع دو علامت از علایم ظهور که در این توقیع آمده یعنی خروج سفیانی و ندای آسمانی ادعا کند ظهور حضرت حجتّ تحقق یافته و وی او را دیده است.

این دو علامت در روایات متعددی از علایم قطعی ظهور امام عصر(عج) شمرده شده است.^{*} در این توقیع بر این نکته تأکید شده که تا این دو علامت رخ ندهد ظهوری رخ نخواهد داد و زمان ظهور پس از وقوع این دو علامت است و اگر کسی قبل از پدیدار شدن این دو علامت ادعا کرد ظهور تحقق یافته و رخ بی‌همتای مولا نمایان شده و او توانسته وی را مشاهده کند دروغ می‌گوید و افترا بسته است.

بر اساس این احتمال در مفهوم حدیث مورد بحث حضرت خواسته‌اند با این توقیع در حدّ ممکن از ادعای دروغین مهدویت جلوگیری کند و شیعیان را آگاه سازد که ظهور در پس رخ دادن این دو علامت است، بنابراین اگر قبل از وقوع این دو علامت گروهی در اطراف شخصی به عنوان امام مهدی (عج) گرد آمدند و ادعای او را تأیید کردند و مدعی ظهور شدند و خواستند بدین وسیله انحرافی پدید آورند همه دروغ‌گویانی بی‌پروا هستند و از آنجا که بر اساس روایات زمان تحقق این دو علامت به خصوص ندای آسمانی بسیار نزدیک

^۱ ر.ک: جنة المأوی، ص ۱ و بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۴
^۲ -ک: دانش نامه امام مهدی (عج) ج ۷، ص ۶۵، و ص ۱۷۵

به زمان ظهور است *کسی نمی‌تواند بین تحقق این دو علامت و ظهور حضرت (عج) ادعای مهدویت کرده و انحرافی در مکتب شیعه ایجاد کند.

به نظر می‌سد احتمال اخیر در معنای توقیع مورد بحث قوی‌تر از احتمالات دیگر است و می‌توان آن را به عنوان احتمال برتر و برگزیده تقویت کرد.

قرائن و شواهد در تقویت احتمال اخیر

مطالبی را می‌توان به عنوان قرینه و به منظور تقویت احتمال برگزیده مطرح کرد، این قرائن و شواهد عبارتند از:

۱- کلمه مشاهده که از ماده «شهد» گرفته شده گوهر معنایی آن حضور توأم با آگاهی از چیزی است که آن را برملا کرده و علنی اعلام می‌کند در کتاب معجم مقاییس اللغة ذیل ماده «شهد» می‌گوید: «الشین و الهاء و الدال اصل یدل علی حضور و علم و اعلام لایخرج شیء من فروعه عن الذی ذکرناه.*

(شهد یک معنای ریشه‌ای دارد که دلالت دارد بر حضور و آگاهی و اعلام و تمام فروع این ماده به همین معنا برمی‌گردد.) بر اساس معنای لغوی و اصیل (شهد) صیغه مشاهده با دیداری علنی همراه با حضور و ظهور و تجلی می‌سازد نه با دیداری مخفیانه و پوشیده از دیگران.

۲- قرینه دوم همان دو علامتی است که در توقیع آمده است، طرح این دو علامت در کنار انکار مشاهده با هیچ یک از احتمال‌های دیگر تناسب ندارد و تنها نسبت به احتمالی که در معنای توقیع برگزیده شد یعنی همان

۳- ک: دانش نامه امام مهدی (عج) ج ۷، ص ۸۳، و ص ۱۸۲

۱- معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۲۲۱ (شهد)

ادعای ظهور حضرت ع و مشاهده علنی وی تناسب کامل دارد چرا که با فاصله نزدیکی از وقوع این دو علامت و یا حتی متصل به آن، ظهور و مشاهده عمومی و علنی تحقق می‌یابد پس کسی که بعد از این دو علامت ادعای مشاهده حضرت را داشته باشد ادعای ظهور وی را کرده و بر اساس مفهوم روایت راست‌گوست و اگر قبل از وقوع این دو علامت ادعا کند که آن حضرت را مشاهده کرده دروغ‌گوست چرا که دو گونه مشاهده در روایت نیامده است پس مقصود از مشاهده قبل از وقوع این دو علامت که مدعی آن بر اساس منطوق توقیع دروغ‌گوست همان مشاهده‌ای است که بعد از خروج سفیانی و ندای آسمانی صورت گیرد که مدعی آن بر اساس مفهوم توقیع مورد بحث راست‌گوست و مشاهده بعد از این دو علامت همان ظهور است نه دیداری پنهانی و یا ادعای نیات و

۳- تعبیری اینچنین در توقیع مورد بحث آمده است (فقد وقعت الغیبه الثانیه (التامه) فلا ظهور الا بعد اذن الله عز و جل و ذلک بعد ...) این عبارت گویای آن است که محور اصلی توقیع بیان این نکته است که قرار است غیبت کبری شروع شود و مدت آن طولانی خواهد بود و ظهور بعد از تحقق برخی علایم حتمی خواهد بود، در چنین فضایی می‌توان گفت واژه «المشاهده» ظهور در معنای دیدار علنی و همگانی دارد و احتمال مطلوب را تقویت می‌کند.

۴- ادعای برخی از دانشمندان بزرگ شیعه چون سید مرتضی و شیخ طوسی مبنی امکان ملاقات با امام عصر (عج) در دوران غیبت کبری، این ادعا تنها با آخرین احتمال در معنای توقیع سازگار است و با احتمال‌های دیگر تنافی دارد.

سید مرتضی در تتمه کتاب المقنع فی الغیبه پس از بیان دلیل غیبت و مستور بودن امام عصر (عج) و عامل اصلی در آن و انتفاع از آن حضرت در دوره غیبت کبری می‌گوید: «دوستان امام زمان (عج) و شیعیان وی و کسانی که به امامت آن حضرت معتقدند در حال غیبت او نیز از وی بهره می‌برند و غیبت آن بزرگوار با بهره‌مندی عده‌ای خاص منافات ندارد. پس مانعی نیست که بگوییم آن حضرت برای برخی رخ می‌نماید و این رخ نمودن می‌تواند به جهت تأدیب و موعظه و تعلیم یا غیر آن باشد.»*

شیخ طوسی نیز در این باره می‌گوید: «ما یقین نداریم که امام عصر (عج) از دید تمامی شیعیان و دوستدارانش پنهان باشد و جواز آن کفایت می‌کند.»*

دلیل قائل شدن به امکان ملاقات با آن حضرت واضح است چرا که نه محال ذاتی و عقلی است و نه محال عادی و عرفی و نه در متون نقلی مورد انکار واقع شده است* تنها دلیلی که در بدو امر می‌تواند منکر آن باشد همین تویق مورد بحث است و آن نیز با معنای مورد قبول در احتمالات مطرح شده تعارض و تنافی با امکان ملاقات ندارد.

صاحب کتاب (العبری الحسان) نیز همین معنا را در مورد تویق مذکور پذیرفته است. وی پس از نقل حکایت‌هایی از ملاقات با امام عصر ع در دوران غیبت کبری می‌گوید: «بدان که جوهری را که علمای اعلام در جمع میان تویق شریف علی بن محمد سمری که در آن چنین است که من ادعی المشاهدة قبل خروج السفیانی والصحیحة فهو مفتر کذاب و میان این حکایات در این عبقریة و امثال آن که در یاقوت الاحمر درج شده در دو مورد از این کتاب به نحو اجمال و تفصیل ذکر نموده‌ایم و لکن در این مقام آنچه جلوه‌گر است آن است که معارضه میان تویق شریف و امثال این حکایات نیست که محتاج به جمع باشد زیرا که تویق شریف در صدد رد

۱-ر. ک: المقنع فی الغیبه ، ص ۷۳

۲-ر. ک: الغیبه الطوسی ، ص ۹۳

۳-ر. ک: دانش نامه امام مهدی (عج) ج ۵، ص ۱۷۹

و منع از دعوی ظهور است و مشاهده در آن به معنای ظهور و حضور است چنانکه در آیه مبارکه است فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ^۱ نه به معنای رویت که علماء در حیص و بیص در جمع میان توقیع شریف و این حکایات بیفتند و قرینه بر این معنا دو چیز است یکی قول آن حضرت که می‌فرماید فلا ظهور الا بعد از هرج و مرج و فتنه و فساد و دیگری قول آن بزرگوار است که می‌فرماید هر کس مدعی مشاهده یعنی ظهور باشد پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی که اینها هر دو از علائم ظهورند پس آن مفتری و کذاب است.»*

شبهه وقوع ملاقات

در اینجا طرح این بحث که در دوران غیبت کبری ملاقاتی با امام عصر (عج) رخ داده است یا خیر؟ بی ارتباط با این نوشته به نظر نمی‌رسد. چرا که پس از پذیرش امکان ملاقات با آن حضرت و قبول معنایی که در میان احتمالات معنایی برای توقیع مورد بحث ترجیح داده شد، این سوال پیش می‌آید که چنین اتفاقی افتاده است؟ گزارشی اطمینان آور در زمینه دیدار با امام مهدی (عج) در دوران غیبت کبری وجود دارد؟ به ادعای هر کسی در این زمینه می‌توان اعتماد کرد؟

در پاسخ به سوال‌های فوق نکاتی را یادآور می‌شویم

۱- امام عصر (عج) در دوره قبل از غیبت صغری یعنی از زمان تولدش تا هنگام شهادت پدر بزرگوارشان نیز از دید عموم پنهان بودند و تنها افراد خاصی دیدار وی را در آن دوره گزارش نموده‌اند.* و حتی به دنیا آمدن آن

^۱ البقره، ۱۸۵

۴-ر. ک: العبقری الحسان، ج ۱، ص ۱۲۸

۱-ر. ک: دانش نامه امام مهدی (عج)، ج ۲، ص ۲۲۲-۲۵۶

حضرت نیز در شرایط عادی صورت نگرفت و بارداری مادر بزرگوار ایشان و نیز زایمان وی از دیگران پنهان و در هاله‌ای از خفا بود.^۱

۲- مفهوم غیبت و اساس ساختار آن بر این است که آن حضرت از دیدگاه نهران باشد با هر حکمت و مصلحتی که خدا می‌داند، بنابراین اصل بر ندیدن حضرت در دوران غیبت است و این مطلب اقتضای تکذیب مدعی ملاقات با وی را دارد.

در این زمینه می‌توان به مقدمه زیارت آل یاسین به نقل از کتاب المزار الکبیر استشهاد کرد؛ در آنجا آمده است: ابو عبدالله احمد بن ابراهیم گفت: به ابو جعفر محمد بن عثمان (نایب دوم در دوران غیبت صغری) گفتم مشتاق دیدار مولایمان هستم، گفت آیا با اشتیاق کامل خواهان دیدار وی هستی؟ گفتم: آری. گفت خدا اشتیاق را جبران کند و دائماً در گشایش و عافیت باشی، به دنبال دیدار آن حضرت نباش که روزگار پنهان شدن به وی رو آورده و ملاقات با وی را نخواه که از امور سنگین الهی است و تسلیم در مقابل آن بهتر است و با (خواندن) زیارت به سوی او رو کن.*

بنابراین تکذیب کسی که ادعای ملاقات با آن حضرت را دارد مؤونه‌ای بر نمی‌دارد و نیاز به آیه و حدیث نیست و طرف دیگر قضیه یعنی پذیرفتن ادعای دیدار نیاز به قرائن صدق دارد و شواهدی که انسان اطمینان به آن ادعا پیدا کند. و البته این قرائن بایستی منطقی و از دیدگاه عقل و عرف قابل پذیرش و اطمینان‌آور باشد و مدعی آن نیز فردی باتقوا و به دور از جاه‌طلبی و یافتن جایگاهی برای خود و فریب دادن افرادی ساده لوح باشد.

^۱ ر.ک: دانش نامه امام مهدی (عج)، ج ۲، ص ۲۱۱ و ص ۲۷۵

۲- ک: المزار الکبیر، ص ۵۸۵

۳- روایاتی در دست است با این مضمون که افرادی در دوران غیبت با حضرت ملاقات دارند هرچند به طور

ناشناس به عنوان نمونه احادیث ذیل را از نظر می‌گذرانیم:

حدیث نخست، در معتبرترین کتاب حدیثی، الکافی، به نقل از امام صادق علیه السلام این گونه آمده است:

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْآخَرَى طَوِيلَةٌ. الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ شِيعَتُهُ وَ الْآخَرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ.^۱

قائم، دو غیبت دارد: یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت نخست، جز خواص شیعه، جای او را نمی‌دانند و در غیبت دیگر، جز خواص و بستگانش، جای او را نمی‌دانند.

حدیث بعدی نیز در الغیبه‌ی نعمانی از امام صادق علیه السلام نقل شده که این گونه آمده است:

إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا تَطُولُ حَتَّى يَقُولَ بَعْضُهُمْ مَاتَ وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ قُتِلَ وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ ذَهَبَ فَلَا يَبْقَى عَلَى أَمْرِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ إِلَّا نَفْرٌ يَسِيرٌ لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِيِّ وَ لَا غَيْرِهِ إِلَّا الْمَوْلَى الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ.^۲

صاحب این امر (قیام)، دو غیبت دارد: یکی از آنها به درازا می‌کشد، تا آن جا که برخی می‌گویند: مرده است و برخی دیگر می‌گویند: کشته شده و برخی دیگر می‌گویند: رفته است، تا آن جا که جز چند تن اندک از یارانش بر عقیده به او نمی‌مانند. هیچ کس از دوست و غیر دوست، از جای او آگاه نمی‌شود، مگر مولایی که امر او را به دست دارد.

۴- حکایت‌های نقل شده در مورد برخی بزرگان و به خصوص دانشمندان با تقوای شیعه به طور اجمالی اصل

وقوع دیدار با امام عصر (عج) در دوران غیبت کبری را ثابت می‌کند. * چنانچه سید بحر العلوم نیز اصل وقوع

ملاقات با حضرت را به شهادت اعتبار ادله و دلالت برخی آثار قبول کرده است. *

۱ الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۹

۲ الغیبه، نعمانی، ص ۱۷۱، ح ۵

۱-ر. ک: دانش نامه امام مهدی (عج)، ج ۵، ص ۹۹-۱۷۵

۱-ر. ک: الفوائد الرجالیه، ج ۳، ص ۳۲۰

بنابراین می‌توان اصل ملاقات با امام مهدی (عج) در دوران غیبت کبری را پذیرفت اما نه از هر کسی و با هرگونه ادعایی بلکه در صورتی که قرائن صدق داشته باشد و اطمینان نفس به راستی آن حاصل شود.

نتیجه‌گیری:

بخشی از آخرین توقیع منسوب به امام مهدی (عج) چنین است: «سَيَأْتِي شِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٍ»، در معنای این عبارت احتمال‌هایی مطرح شده است و بر اساس برخی از احتمالات دیدار با آن حضرت در دوران غیبت کبری انکار می‌شود این احتمالات عبارتند از ۱: تکذیب ادعای نیابت خاص در دوران غیبت کبرا، ۲: تکذیب ادعای ملاقات حضرت همراه با شناخت وی به عنوان امام عصر ع، ۳: تکذیب ادعای ملاقات علنی با حضرت در دوران غیبت کبرا، ۴: تکذیب مدعی ملاقات از طرف دیگران، خواه مدعی راست بگویند یا دروغ، ۵: ادعای ظهور حضرت (عج) و مشاهده علنی و عمومی وی.

قرائن و شواهد بیشتری برای پذیرش احتمال اخیر در معنای توقیع وجود دارد بنابراین به عنوان قوی‌ترین احتمال پذیرفته و تقویت شد، مهمترین این قرائن و شواهد مطرح شدن دو علامت از علائم ظهور در این بخش از توقیع است.

براین اساس به نظر می‌رسد توقیع مذکور در پی رد امکان ملاقات با امام عصر ع در دوران غیبت کبرا نیست و ممکن است در این دوران ملاقات با آن حضرت برای برخی افراد رخ داده باشد که البته اثبات آن نیاز به قرائن و شواهد اطمینان‌آور دارد و اصل بر عدم آن است.

- الاحتجاج ، احمد بن علی الطبرسی ، تحقیق : السید محمد باقر الخرسان ، النجف الأشرف : دار النعمان ، ۱۳۸۶ ق .
 - إعلام الوری بأعلام الهدی، طبرسی، فضل بن الحسن، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۷ / ق ، اول.
 - بحار الانوار، محمد باقر بن محمد تقی المجلسی (العلامة المجلسی) ، بیروت : مؤسسة الوفاء ، ۱۴۰۳ ق .
 - بدایه المعارف الالهیه، سید محسن خراسی (معاصر) ، قم، جامعه مدرسین ، ۱۴۳۴ ق چاپ
- ۲۳
- الثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، زنده در ۵۶۶ ق، قم، ۱۴۱۹ ق، سوم
 - جنة المأوی فی ذکر من فاز بلقاء الحجة ع أو معجزته الكبرى ، میرزا حسین نوری طبرسی م ۱۳۲۰، چاپ شده در ضمن بحار الانوار جلد ۵۳.
 - الخرائج و الحرائج، راوندی، قطب الدین، قم، مؤسسة الإمام المهدي، ۱۴۰۹ / اول
 - دانش نامه امام مهدی علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، محمد محمدی ری شهری و جمعی از همکاران، قم، انتشارات دارالحدیث، اول ۱۳۹۳ ش
 - دانش نامه جهان اسلام، جمعی از پژوهشگران ، زیر نظر مصطفی میر سلیم، تهران بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵ ش، اول.

- دیدار در عصر غیبت، جواد جعفری، قم، آینده روشن، ۱۳۸۱ ش
- رازداران حریم اهل بیت ع، جواد سلیمانی، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، اول
۱۳۸۶ ش
- الصحاح، اسماعیل بن حماد الجوهری م ۳۹۸ ق، تحقیق شعیب الارنوط، بیروت، موسسه
الرسالة، ۱۴۱۴ ق.
- الصراط المستقیم إلى مستحقی التقدیم، عاملی نباطی، علی من محمد بن علی بن محمد بن
یونس، ۸۷۷ ق، المكتبة الحيدرية، نجف، ۱۳۸۴ ق، اول
- العبقري الحسان، علی اکبر نهاوندی، تهران، کتابفروشی دبستانی، ۱۳۲۱ ش
- عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، نراقی، مولی احمد
بن محمد مهدی، م ۱۲۴۵ ق، بی جا، بی تا
- الغيبة، طوسی، محمد بن الحسن (شیخ طوسی)، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ / ق
، اول
- الفوائد الرجالية، الوحيد البهبهانی م ۱۲۰۵ ق
- الكافي، محمد بن يعقوب الكليني م ۳۲۹ ق، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، تهران،
دارالکتب الاسلامیة، چاپ پنجم ۱۳۶۳ ش
- کتاب العین، فراهیدی، خلیل، تحقیق: مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، مؤسسه دار
الهجرة، ۱۴۰۹ / ق، دوم.

- كتاب الغيبة، نعماني، محمد بن إبراهيم، قم، أنوار الهدى، ۱۴۲۲ / ق، اول
- كمال الدين وتمام النعمة، محمد بن علي بن بابويه القمي (شيخ صدوق)، تصحيح وتعليق :
علي أكبر غفاري، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۳۶۳ / ش
- لغتنامه دهخدا، علي أكبر دهخدا م ۱۳۲۴ ش، زير نظر دكتور محمد معين و سيد جعفر شهيدى، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش
- المزار الكبير، ابن مشهدى، محمد بن جعفر، ۶۱۰ ق، محقق: قيومي اصفهاني، جواد، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۹ ق، اول
- معجم مقاييس اللغة، ابو الحسين احمد بن فارس بن زكريا م ۳۹۵، تحقيق عبد السلام محمد هارون، نشر مكتبة الاعلام الاسلامي ۱۴۰۴ ق
- المقنع في الغيبة، علم الهدى سيد مرتضى (علي بن الحسين) ۴۳۶ ق، تحقيق: سيد محمد علي حكيم، بيروت: مؤسسه آل البيت ع لاحياء التراث، ۱۴۱۶ ق، اول
- وسائل الشيعة، الحرّ العاملي، محمد بن الحسن، قم مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ / ق، دوم.
- مهدي غلامعلي، «درآمدی بر غیبت‌نگاری (بررسی کتاب‌های غیبت تا قرن پنجم هجری)» دو فصلنامه حدیث اندیشه، شماره ۳